

تأثیر اندازه دولت بر حکمرانی خوب و عملکرد اقتصادی در کشورهای منتخب

*یوسف محمدزاده^۱، صمد حکمتی فرید^۲، المیرا شریفی^۳

۱. استادیار گروه اقتصاد دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

۲. استادیار گروه اقتصاد دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

۳. کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

(دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۱۴ پذیرش: ۱۳۹۵/۱/۲۳)

The Effect of Government Size on Good Governance and Economic Performance of Selected Countries

*Yousef Mohammadzadeh¹, Samad Hekmati Farid², Elmira Sharifi³

1. Assistant Professor of Economics, University of Urmia, Urmia, Iran

2. Assistant Professor of Economics, University of Urmia, Urmia, Iran

3. M.A. in Economics, University of Urmia, Urmia, Iran

(Received: 3/Feb/2016

Accepted: 11/April/2016)

Abstract:

Although it is generally agreed that there is a role for the government to redistribute income in favor of the poor and provide public goods and services, there is considerable disagreement over how far the government should go in these areas. On this issue, a variety of conflicting theoretical explanations has been advanced that can only be resolved through empirical investigations. According to importance of this issue the important question arises that, what is the effect of government size on good governance and economic performance? This study examines the relationship between government size, good governance and economic performance by estimating dynamic models using panel data from 50 selected countries for the period 1996-2013. The results show that the government size, and inflation have a negative and statistically significant effect on good governance indicator. Also employment index has a positive and significant impact on good governance indicator. The growth model also indicates that the government size has a negative and good governance indicator has a positive effect on economic growth. The interactions effects of government size and good governance indicator show that the size of government through governance indicator has a negative impact on economic growth. Also human development index, foreign direct investment, export and ICT's share of the imported goods have positive and significant effect on economic growth. Shrinking the size of the government and reducing its involvement in the economy, are two key policy recommendations of this study.

Keywords: Good Governance, Economic Growth, Government Size.

JEL: O43, F43, H11.

چکیده:

با وجود توافق عمومی در خصوص نقش دولت در اقتصاد در مباحث نظیر توزیع مجدد درآمد و کالاها و خدمات عمومی، هنوز در خصوص میزان دخالت دولت در اقتصاد توافقی وجود ندارد. در این خصوص تئوری‌های متناقض متعدد بسط یافته‌اند که تنها از طریق بررسی‌های تجربی می‌توان درباره آنها قضاوت نمود. در این راستا این سؤال مطرح می‌شود که اثر اندازه دولت، بر عملکرد اقتصادی و حکمرانی خوب چیست؟ در این مطالعه با هدف بررسی رابطه اندازه دولت با حکمرانی خوب و عملکرد اقتصادی، از داده‌های آماری ۵۰ کشور منتخب جهان برای دوره زمانی ۲۰۱۳-۱۹۹۶ استفاده شده و با رویکرد داده‌های تابلویی پویا به برآورد مدل اقدام شده است. نتایج نشان می‌دهد که اندازه دولت اثر منفی و معنی‌داری بر روی شاخص‌های حکمرانی خوب دارد. در این مدل اشتغال تأثیر مثبت و تورم تأثیر منفی بر روی حکمرانی داشته است. همچنین بر اساس برآورد مدل رشد، اندازه دولت تأثیر منفی و معنی‌دار، و حکمرانی خوب تأثیر مثبت و معنی‌دار بر روی رشد اقتصادی دارد. بررسی اثرات متقاطع اندازه دولت و حکمرانی خوب نیز نشان می‌دهد که اندازه دولت از کانال تأثیر منفی بر روی حکمرانی، روند رشد اقتصادی را تضعیف می‌کند. تأثیر شاخص توسعه انسانی، FDI، میزان صادرات و سهم ICT از کالاهای وارداتی نیز بر روی رشد اقتصادی مثبت و معنی‌دار است. کاهش حجم دولت و محدود کردن حوزه دخالت آن در اقتصاد، از پیشنهادات سیاستی مطالعه حاضر می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: اندازه دولت، حکمرانی خوب، رشد اقتصادی.

طبقه‌بندی JEL: O43, F43, H11.

* نویسنده مسئول: یوسف محمدزاده

E-mail: yo.mohammadzadeh@urmia.ac.ir

*Corresponding Author: Yousef Mohammadzadeh

۱- مقدمه

نقش دولت و سیاست‌های آن در رشد اقتصادی یک کشور و نقشی که دولت علاوه بر تأمین امنیت می‌تواند در راستای تأمین زیرساخت‌های اقتصادی ایفا کند امری انکارناپذیر می‌باشد. هر چند که این نقش می‌تواند با حضور پررنگ دولت در اقتصاد و به عبارتی افزایش اندازه دولت در اقتصاد منجر به کاهش رقابت در بخش خصوصی و به حاشیه راندن این بخش مهم اقتصادی و همچنین ناکارایی در ساختار اقتصاد کشورها گردد. همچنین بزرگ‌تر شدن دولت‌ها می‌تواند با افزایش ناکارآمدی دولت بر نحوه حکمرانی تأثیرگذار بوده و کیفیت آن را کاهش دهد. بر این اساس می‌توان این سؤال را مطرح کرد که آیا اندازه دولت^۱ علاوه بر تحت تأثیر قرار دادن رشد اقتصادی می‌تواند بر حکمرانی خوب^۲ دولت‌ها نیز مؤثر باشد؟ از آنجایی که بخش‌های دولت اغلب به صورت غیرکارا اداره و اجرا می‌شوند و تعدیل سیستم‌های مختلف دولتی روی اقتصاد کشور، بار و هزینه زیادی وارد می‌کند و بیشتر سیاست‌های مالی و پولی دولت به سمت انحراف انگیزه‌های اقتصادی و پایین آوردن سطح کارایی تمایل دارند، می‌توان گفت ممکن است اندازه دولت یکی از موانع حکمرانی خوب در سطح کشور باشد. بنابراین با بررسی تأثیر اندازه دولت بر روی حکمرانی خوب، مسیر منطقی‌تر و بهتری برای بررسی نقش اندازه دولت و حکمرانی خوب بر روی رشد اقتصادی ترسیم می‌شود.

مهم‌ترین کانون عملکردی دولت و سطح گسترده آن را باید در کیفیت نهادها جستجو نمود. از دیدگاه نورث^۳ (۱۹۹۸)، نهادها، قوانین بازی در جامعه‌اند. در نتیجه نهادها سبب ساختارمند شدن انگیزه‌های نهفته در مبادلات بشری می‌شوند، چه این مبادلات سیاسی باشند چه اقتصادی و اجتماعی. نهادها قادر به ایجاد مجموعه درستی از انگیزه‌ها می‌باشند که می‌تواند باعث کاهش ناطلمینانی، تشویق کارایی و بنابراین کمک به بهبود عملکرد اقتصادی شوند.

در سال‌های اخیر اهمیت نهادها بر عملکرد اقتصادی عموماً پذیرفته شده است؛ اما آنچه که مهم به نظر می‌رسد وارد کردن نهادها به تحلیل‌های اقتصادی و شناخت نحوه اثرگذاری آنها می‌باشد. چرا که اثرگذاری اغلب نهادها بر رشد، غیرمستقیم

بوده و از طریق کانال متفاوتی صورت می‌گیرد که شناخت این کانال و ارتباط نهادها با همدیگر موضوعی مهم‌تر از خود نهادها است (کمپجانی و سلاطین، ۱۳۸۹: ۶-۱).

حکمرانی خوب محصول مشارکت سه نهاد دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی است. دولت محیط سیاسی و حقوقی را به وجود می‌آورد، بخش خصوصی اشتغال و درآمد را پدید می‌آورد و جامعه مدنی تعامل سیاسی و اجتماعی گروه‌های فعال برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را تسهیل می‌کند. طبق تعریف بانک جهانی^۴، حکمرانی خوب روشی است که بر طبق آن قدرت بر مدیریت اقتصادی یک کشور و منابع اجتماعی آن برای رسیدن به توسعه اقتصادی، اعمال می‌شود (کمپجانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۳-۵۱ و شاکری و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۳). توانایی دولت در انجام وظایف خود نقش مهمی در رشد و توسعه اقتصادی دارد. دولت‌ها می‌توانند با تقویت نهادهایشان، توانمندی خود را افزایش دهند. این امر مستلزم نهادینه ساختن قوانین و هنجارهایی است که به مقامات دولتی انگیزه می‌دهد تا طبق منافع عمومی عمل کنند (سحابی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۹-۱۰۸).

حضور بیشتر دولت در اقتصاد و به عبارتی افزایش اندازه دولت در اقتصاد ممکن است باعث کاهش رقابت در بخش خصوصی و به حاشیه راندن این بخش مهم اقتصادی و همچنین ناکارایی در ساختار اقتصاد کشورها گردد. بنابراین بازنگری جایگاه و رفتارهای دولت و اینکه نقش دولت‌ها چه باید باشد و مهم‌تر اینکه چگونه باید ایفای نقش نمایند، ضروری می‌نماید (رفیعی دارانی و شاهنوشی، ۱۳۹۳: ۱۵۶-۱۵۵).

حال سؤال مهم این است که اثر اندازه دولت، بر عملکرد اقتصادی و حکمرانی خوب چیست؟ اگر چنین ارتباطی وجود داشته باشد سؤال مهم دیگر این است که آیا اندازه دولت می‌تواند از کانال تأثیرگذاری بر روی شاخص‌های حکمرانی نیز بر روی رشد اقتصادی تأثیر بگذارد؟ مطالعه حاضر با هدف پاسخگویی به سؤالات فوق انجام گرفته است. در خصوص ارتباط اندازه دولت و حکمرانی خوب مطالعات گسترده‌ای وجود ندارد. بیشتر مطالعات در خصوص اندازه دولت بر روی عملکرد اقتصادی است؛ اما بر روی خود کیفیت دولت مطالعات محدودی وجود دارد. در برخی مباحث و مطالعات رشد

1. Size of Government
2. Good Governance
3. North (1998)

4. World Bank

فساد^{۱۰} (از منظر اقتصادی) یکی از اساسی‌ترین موانع در مسیر رشد و توسعه اقتصادی است که موجب ناکارآمدی سیاست‌های دولت، کاهش سرمایه‌گذاری و در نتیجه کاهش عملکرد اقتصادی می‌شود (دهمرده و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۳).

فساد نه تنها آهنگ رشد و توسعه را کند یا مختل می‌کند بلکه به واسطه اثرات سوء میان مدت و بلندمدت آن آسیب‌های اساسی بر اجتماع و بنیان‌های نظم عمومی وارد خواهد شد. اما با بررسی تعاریف موجود در زمینه فساد می‌توان به این نتیجه رسید که در همه تعاریف، پدیده فساد یک داد و ستد فواید بین بخش دولتی و خصوصی است که طی آن فواید عمومی به سمت فواید خصوصی انتقال می‌یابد (رس-آکرمن و پالیفکا^{۱۱}، ۲۰۱۶: ۹۳). بنابراین می‌توان به طور ساده‌تر چنین بیان کرد که فساد در بخش دولتی موضوعیت پیدا می‌کند.

از این‌رو، افزایش حجم و اندازه دولت، طبیعتاً می‌تواند همراه با افزایش فساد در اقتصاد شود. موور^{۱۲} (۱۹۶۶)، در کتابی تحت عنوان ریشه‌های اجتماعی، اقتصادی، دیکتاتوری و دموکراسی بر این باور است که با ورود نفت به جریان اقتصادی و حجیم‌تر شدن دولت و رانتیر شدن فعالیت‌های اقتصادی و به تبع آن فعالیت‌های اجتماعی، آزادی‌های اقتصادی مردم محدود می‌شود و این به نوبه خود در تضاد با ایجاد جامعه مدنی می‌باشد. دولت رانتیر به علت بهره‌گیری از درآمدهای ناشی از رانت، نیاز چندانی را به مالیات‌ها احساس نمی‌کند و در نتیجه چنین روندی نیز افزون بر آنکه توانمندی توزیع عادلانه ثروت و قدرت در جامعه را به تدریج از بین می‌برد، همچنین دولت نسبت به استخراج بهینه سایر توانمندی‌ها در جامعه نیز کم‌توجه می‌شود که پیامد آن این است که جامعه به توسعه‌یافتگی لازم نمی‌رسد (عسکری، ۱۳۸۹: ۱۸۵).

دولت به عنوان یک نهاد اجتماعی، نقش مهمی در ایجاد نهادهای کارآمد و شرایط مناسب برای توسعه مالی دارد. توسعه بخش مالی این امکان را فراهم می‌آورد که کارآفرینان برای تحقق ایده‌های خود و مشارکت در رشد اقتصادی به‌راحتی منابع مالی دریافت کرده و به سرمایه‌گذاری در سطح خرد و کلان بپردازند که این خود موجب افزایش اشتغال و کاهش فقر می‌گردد. بنابراین رابطه مستقیمی مابین اشتغال و حکمرانی وجود دارد (سحابی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱۲-۱۰۶).

اقتصادی^۱، تأثیر اندازه دولت بر روی عملکرد اقتصادی از طریق کانال کیفیت دولت بررسی شده است. بنابراین در مطالعه حاضر به بررسی تأثیر اندازه دولت بر روی حکمرانی خوب و همچنین تأثیر اندازه دولت و حکمرانی خوب بر روی رشد اقتصادی پرداخته می‌شود.

در ادامه بعد از مرور مبانی نظری و مطالعات تجربی، به معرفی مدل‌های مناسب برای پاسخگویی به سؤالات فوق، پرداخته خواهد شد. و در نهایت بر اساس برآورد این مدل‌ها، نتایج حاصل شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و پیشنهادات سیاستی ارائه خواهد شد.

۲- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

۲-۱- حکمرانی خوب و تعیین‌کننده‌های آن

حکمرانی خوب نظامی از ارزش‌ها، سیاست‌ها و نهادها است که جامعه به کمک آن، اقتصاد، سیاست و مسائل اجتماعی خود را به وسیله سه بخش دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی مدیریت می‌کند (قلی‌پور، ۱۳۸۷: ۴). حکمرانی خوب، بیانگر تغییر پارادایم نقش دولت و حکومت‌ها و مشارکت یکسان همه مردم در فرایند تصمیم‌گیری است که باعث می‌شود صدای همه مردم، زمانی که تصمیمات گرفته و منابع تقسیم می‌شوند، به گوش برسد (مقیم و اعلائی اردکانی، ۱۳۹۰: ۱۷۱).

از جمله ویژگی‌های حکمرانی خوب می‌توان به مشارکت^۲، حاکمیت قانون^۳، شفافیت^۴، مسئولیت‌پذیری^۵، اجماع‌سازی^۶، عدالت و انصاف^۷، کارایی و اثربخشی^۸ و پاسخگویی^۹ اشاره کرد (مبارک و آذرپیوند، ۱۳۸۸: ۱۸۰). به‌طور کلی می‌توان گفت که حکمرانی خوب، تمرین مدیریت سیاسی، اقتصادی، اجرایی و ... منابع یک کشور، برای رسیدن به اهداف تعیین شده می‌باشد.

بنابراین اگر نظریه حکمرانی خوب را به عنوان فرآیند مطلوب و صحیح توسعه در یک جامعه فرض کنیم، در این قسمت می‌کوشیم تا موانع ساختاری حکمرانی خوب را بررسی نماییم.

1. Economic Growth
2. Participation
3. Rule of Law
4. Transparency
5. Responsiveness
6. Consensus
7. Equity and Inclusiveness
8. Effectiveness and Efficiency
9. Accountability

10. Corruption

11. Rose-Ackerman & Palifka (2016)

12. Moore (1966)

جغرافیایی، می‌تواند مدیریت کلان جامعه را تحت تأثیر قرار دهد. در این زمینه می‌توان به مسئله شهرنشینی و مهاجرت اشاره کرد. این پدیده با تغییر ساختار اجتماعی و فرهنگی می‌تواند بر روی کیفیت نهادها و حکمرانی مؤثر باشد.

۲-۲- رشد اقتصادی و تعیین‌کننده‌های آن

از زمانی که بررسی مسائل توسعه در کشورهای جهان به یکی از موضوعات مورد توجه اقتصاددانان مبدل شد، رشد اقتصادی (رشد تولید ناخالص داخلی) به عنوان بهترین شاخص توسعه اقتصادی کشورها مقبولیت عام یافته است (موسوی و مهرآرا، ۲۰۱۱: ۱۱۲-۱۰۴). از این‌رو مطالعات بسیاری در خصوص تعیین‌کننده‌های رشد اقتصادی در جهان انجام پذیرفته است. از جمله عوامل کلیدی در تعیین رشد اقتصادی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

توسعه انسانی^۸ یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر روی رشد اقتصادی است که توجه بسیاری از محققین را به خود جلب کرده است. نظریه‌های نوین رشد معتقدند که رشد و توسعه اقتصادی نمی‌تواند بدون توسعه منابع انسانی به مسیری مطلوب برسد. آموزش و پرورش، افزایش مهارت‌ها و قابلیت‌ها از الزامات توسعه اقتصادی یک کشور است (آگراوال^۹، ۲۰۰۶: ۳۷). شاخص توسعه انسانی، میانگین دستیابی در سه بعد توسعه انسانی شامل آموزش، بهداشت و درآمد را اندازه‌گیری می‌کند و سنجش‌ای از توسعه را در مقیاس صفر تا یک ارائه می‌دهد.

از دیگر عوامل رشد اقتصادی، بالا بودن خالص صادرات کشورها است. پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهند که توسعه صادرات نقش محوری در رشد اقتصادی دارد (راموس^{۱۰}، ۲۰۰۱: ۶۲۱-۶۲۰؛ آلمی و موس^{۱۱}، ۲۰۱۳: ۹۷). حتی برخی از مطالعات به بررسی رابطه علی بین صادرات و رشد اقتصادی پرداخته و چنین رابطه‌ای را تصدیق کرده‌اند (گارتی^{۱۲}، ۱۹۹۳: ۱۱۴۵؛ شارما و داکال^{۱۳}، ۱۹۹۴: ۱۱۵۶). بنابراین هر چقدر میزان صادرات یک کشور بیشتر و همچنین ارتباط و تعامل آن با کشورهای دیگر رو به گسترش باشد، بی‌شک میزان توسعه‌یافتگی کشور نیز افزایش می‌یابد.

از کانالی دیگر، افزایش بیش از اندازه دولت و دخالت آن در اقتصاد نیز می‌تواند بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و در نتیجه تولید کل اقتصاد، از طریق جانشینی جبری^۱ اثر منفی داشته باشد (کمیحانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۲؛ دوسل و ولدخانی^۲، ۲۰۰۳: ۲۷). همچنین هر چقدر اندازه دولت بزرگ‌تر شود مخارج بیشتر دولتی نیازمند درآمدهای مالیاتی بیشتری است. مالیات‌های بیشتر به معنی کاهش درآمد قابل تصرف خانوارها و به معنی کاهش تقاضا است. بنابراین با بزرگ‌تر شدن اندازه دولت شاهد آثار منفی آن در جامعه خواهیم شد (کریمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۳-۵۲).

از دیگر عوامل مؤثر بر روی حکمرانی خوب می‌توان به پدیده تورم اشاره کرد. وجود نرخ تورم بالا موجب محدود شدن دارایی‌ها و تشویق پس‌اندازها به سمت دارایی‌های واقعی می‌شود که این خود موجب کاهش انگیزه واسطه‌گری‌های مالی و سرمایه اجتماعی می‌گردد. بنابراین انتظار می‌رود، یک رابطه منفی بین نرخ تورم و شاخص حکمرانی وجود داشته باشد. چرا که تورم بالا در اقتصاد کشورها می‌تواند منجر به کاهش قدرت خرید، افت پس‌انداز، افت ارزش سهام، توسعه احتکار و حتی تورم بیش از حد^۳ شود. شواهد نیز نشان می‌دهند که کشورهای با نرخ تورم بالا به‌طور متوسط در مقایسه با کشورهای با نرخ تورم پائین، سطح توسعه مالی پائین‌تری دارند (هوانگ^۴، ۲۰۱۰: ۲).

آموزش یکی دیگر از عوامل مطرح شده در تعیین کیفیت نهادها می‌باشد. آموزش یک متغیر وابسته به بازدهی نهادهای پویا است. اکثر قشر تحصیل کرده خواستار شفافیت بیشتر در این خصوص هستند و نهادهای پویا به درست کردن آنها اجازه می‌دهند. همچنین آموزش متغیری است که به ندرت در تحقیقات تجربی مطرح شده است به استثنای مطالعات آلسینا و پرتی^۵ (۱۹۹۶) که تأیید می‌کنند یک رابطه مثبت مابین آموزش و کیفیت نهادها وجود دارد. همچنین در ادبیات فساد اثر آموزش بر روی آن توسط اون و راج^۶ (۲۰۰۰) شناخته شده است (آلسو و گارسیمارتین^۷، ۲۰۰۹: ۲۱۶).

در نهایت ساختار جمعیتی و تمرکز جمعیت در گستره

8. Human Development

9. Agrawal (2006)

10. Ramos (2001)

11. Alimi & Muse (2013)

12. Gharthey (1993)

13. Sharma & Dhakal (1994)

1. Crowding out Effect

2. Doessel and Valadkhani (2003)

3. Hyperinflation

4. Huang (2010)

5. Alesina & Perotti (1996)

6. Evans & Rauch (2000)

7. Alonso & Garcimartín (2009)

مابین شهروندان و سیاست‌مداران است، که این فواید و هزینه‌ها نشانگر اندازه دولت است (هیلمن^۷، ۲۰۰۹: ۴۶۳؛ فچینی و ملکی^۸، ۲۰۱۳: ۲). با افزایش اندازه دولت و مداخلات و تصدیگری‌های نادرست آن در اقتصاد، موجبات تخصیص ناکارآمد منابع عمومی جامعه فراهم شده و باعث اختلال در عملکرد سیستم بازار و کاهش رفاه اجتماعی می‌گردد (کمیکانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۱-۵۰). چرا که با افزایش اندازه دولت بدهی‌های آن نیز افزایش یافته و با گسترش کسری بودجه، تثبیت مالی دولت دچار آسیب می‌شود (لارچ و تورنی^۹، ۲۰۰۸: ۱۳-۱۴؛ اردگنا^{۱۰}، ۲۰۰۴: ۱۰۶۱؛ گیچارد و همکاران^{۱۱}، ۲۰۰۷: ۱۳).

بنابراین در خصوص اینکه آیا اندازه دولت می‌تواند بر رشد اقتصادی اثرگذار باشد یا نه؟ نتایج متفاوتی از مطالعات به چشم می‌خورد. به عنوان مثال، آسچاور^{۱۲} (۱۹۸۹)، میونل^{۱۳} (۱۹۹۲)، استرلی و ربلو^{۱۴} (۱۹۹۳) و گراملیچ^{۱۵} (۱۹۹۴) اثر مثبت و لاندائو^{۱۶} (۱۹۸۶)، گریر و تالوک^{۱۷} (۱۹۸۹) اثر منفی مخارج دولت بر رشد اقتصادی را گزارش نموده‌اند، در حالی که هولتز^{۱۸} (۱۹۹۴)، استرم و دی‌هان^{۱۹} (۱۹۹۵) و اسلمرد^{۲۰} (۱۹۹۵) اثر معنادار و قابل ملاحظه‌ای از این اثرگذاری گزارش نکرده‌اند. بنابراین بین نوع حضور دولت و تأثیر آن بر اقتصاد تمایز وجود دارد و در نهایت حضور دولت در اقتصاد، بسته به نوع حضور آن، در بعضی موارد تأثیر مثبت و در بعضی موارد تأثیر منفی بر اقتصاد دارد. نگاه به مطالعات گذشته نشان از اختلاف نظر بسیار در نتایج آنها دارد که این امر به نظر می‌رسد بستگی به نوع کشور و موقعیت آن و حتی نوع حضور دولت در اقتصاد و زیربخش‌های اقتصادی داشته باشد (رفیعی دارانی و زبیبی، ۱۳۸۲: ۷۹).

می‌توان جمع‌بندی ادبیات نظری موضوع حاضر را در نمودار زیر به طور خلاصه نمایش داد.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۱ (FDI)، به عنوان یک مسیر مهم برای کشور میزبان جهت دستیابی به تکنیک‌ها و تجارب مدیریت و شدت ترویج توسعه کشور پیشرفته محسوب می‌شود. تحقیقات زیادی نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تحت تأثیر بسیاری از عوامل مانند عوامل اقتصاد مالی از جمله (هزینه‌های وام گرفتن، اندازه منابع و شرایط کشور) و سیستم‌های حقوقی قرار دارد (یوان و همکاران^۲، ۲۰۱۰: ۱۷۶ و پن^۳، ۲۰۰۳: ۸۳۲). با توجه به جریان تکنولوژی به همراه ورود FDI به کشور میزبان، این نوع از سرمایه‌گذاری به عنوان منبع مهم تجارت تکنولوژی شناخته می‌شود. در سطح درون شرکتی جریان FDI باعث بهبود بهره‌وری، کاهش هزینه‌های تولید، طراحی و مهندسی بهتر تولید و حتی بهبود مدیریت نیز می‌گردد (کیر کیلیس و کوبوتی^۴، ۲۰۱۵: ۴-۵). لذا می‌توان انتظار داشت که FDI تأثیر مثبت بر روی رشد اقتصاد داشته باشد.

در نهایت می‌توان گفت، توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات^۵ (ICT)، از طریق بهبود بهره‌وری، می‌تواند موجب بهبود رشد اقتصادی شود (نیبل^۶، ۲۰۱۴: ۱۱۳).

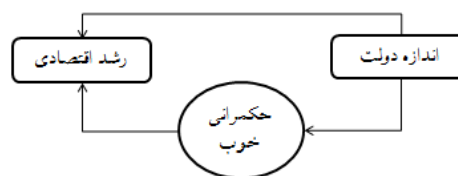
۲-۳- اندازه دولت، حکمرانی خوب و رشد اقتصادی

همان‌طور که گفته شد، حکمرانی خوب فرصتی را برای جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، افزایش رشد اقتصادی، امنیت اقتصادی و بهبود محیط کسب و کار از طریق به‌کارگیری شاخص‌های حکمرانی از جمله حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و عدم خشونت، کارایی و اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد که توسط بانک جهانی برای کشورهای مختلف محاسبه شده است قابلیت بررسی در زمینه افزایش رشد اقتصادی را ایجاد می‌کند.

حضور دولت در اقتصاد همراه با مزایا و هزینه‌های متعددی است. مزایای آن شامل تأمین کالاهای عمومی و حل و فصل مشکلات، برقراری عدالت اجتماعی و مقررات برای حمایت از مصرف‌کننده می‌باشد. هزینه‌های بیش از حد مالیات انگیزه برای استفاده از منابع را کاهش داده و نتیجه آن بروز مشکلات

7. Hillman (2009)
8. Facchini & Melki (2013)
9. Larch & Turrini (2008)
10. Ardagna (2004)
11. Guichard et al. (2007)
12. Aschauer (1989)
13. Munel (1992)
14. Easterly & Robelo (1993)
15. Gramlich (1994)
16. Landaue (1986)
17. Grier & Tullock (1989)
18. Holtz Eakin (1994)
19. Sturm & Dehean (1995)
20. Slemrod (1995)

1. Foreign Direct Investment (FDI)
2. Yuan et al. (2010)
3. Pan (2003)
4. Kyrkilis & Koboti (2015)
5. Information and Communications Technology (ICT)
6. Niebel (2014)



نمودار ۱. اندازه دولت، حکمرانی خوب و رشد اقتصادی

۴-۲- پیشینه تجربی

تحقیقات انجام شده در زمینه رابطه اندازه دولت با رشد اقتصادی و حکمرانی خوب نتیجه واحدی نداشته است. برخی از این تحقیقات بر حضور بیشتر و پررنگ تر دولت تأکید می کنند و بعضی دیگر حضور دولت در اقتصاد را مانعی برای رشد می دانند و البته برخی دیگر نیز حضور مثبت یا منفی دولت در اقتصاد را منوط به نوع حضور آن در اقتصاد می دانند. باید به این نکته مهم توجه کرد که حتی مدافعان دخالت بیشتر دولت یک سطح حداکثری برای دخالت دولت در نظر دارند و دخالت گسترده دولت در اقتصاد و تئوری های اقتصادی که به طور گسترده مورد پذیرش واقع شده اند، پذیرفته شده نیست.

لی و لین^۱ (۱۹۹۴) و گوسه^۲ (۱۹۹۷)، در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده اند که حضور دولت در اقتصاد مانعی برای رشد است و رشد اندازه دولت تأثیر منفی روی اقتصاد و متغیرهای کلان اقتصادی دارد. بورچردینگ^۳ به بررسی عوامل تعیین کننده مخارج دولت پرداخت. که معادله های ارائه شده توسط وی طبقه بندی مناسبی برای بحث در خصوص اندازه دولت حقیقی به وسیله پارامترهای کلیدی ارائه می دهد (بورچردینگ، ۱۹۸۵: ۳۵۹).

ودر و گالوی^۴ طبق مطالعات خود نشان می دهند که بین نوع حضور دولت و تأثیر آن بر اقتصاد تمایز وجود دارد و در نهایت حضور دولت در اقتصاد، بسته به نوع حضور آن، در بعضی موارد تأثیر مثبت و در بعضی موارد تأثیر منفی بر اقتصاد دارد (ودر و گالوی، ۱۹۹۸: ۱).

ناک^۵ در پژوهشی تحت عنوان، دموکراسی و رشد اقتصادی تلاش نمود تا با ایجاد ارتباط میان دموکراسی و حکمرانی به ارزیابی اثر دموکراسی بر رشد اقتصادی بپردازد. وی نشان داد که نهادهای دموکراتیک قوی تر، حکمرانی را تحت تأثیر قرار

داده و از طریق کاهش فساد و تسهیل روند تغییرات تکنولوژی، رشد اقتصادی بالاتر را محقق می سازند (ناک، ۲۰۰۲: ۶).

گیلبرت^۶ در موضوع مورد بررسی خود با عنوان، اهمیت حکمرانی خوب (کیفیت نهادها) در دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی در کشورهای مختلف با استفاده از داده های ترکیبی در دوره زمانی ۱۹۷۰-۲۰۰۰ برای ۱۰۲ کشور نتیجه گیری می کند که ارتباط مستقیم و معنی داری میان شاخص های کیفیت مقررات و کارایی دولت به عنوان جانشینی برای شاخص حکمرانی خوب و عملکرد اقتصادی که به وسیله نرخ رشد درآمد اندازه گیری می شود وجود دارد (گیلبرت، ۲۰۰۳: ۱۲).

گانی و دونکن^۷ نشان می دهند که حکمرانی خوب سه بعد اصلی حاکمیت قانون، کارایی و اثربخشی دولت و کیفیت مقررات را شامل می شود که هر کدام از این شاخص ها نیز از مؤلفه های مختلفی تشکیل شده اند. آنها با استفاده از میانگین این سه شاخص اصلی، طی دوره ۲۰۰۳-۱۹۸۵ به محاسبه شاخص حکمرانی در کشور فیجی پرداخته اند (گانی و دونکن، ۲۰۰۷: ۳۸۱-۳۸۰).

چانگ و گرادستین^۸ در مورد تأثیر نهادهای سیاسی و شاخص های حکمرانی بر نابرابری درآمدی در ۱۲۱ کشور صنعتی و در حال توسعه نشان می دهند که بهبود شاخص های حکمرانی به کاهش نابرابری درآمدی منجر می شود (چانگ و گرادستین، ۲۰۰۴: ۲۷-۲۶).

آفونسو و جالس^۹ از پیوند دادن مطالعات تجربی مابین اندازه دولت، نهادها و فعالیت های اقتصادی با استفاده از داده های تابلویی بین ۱۴۰ کشور در طی ۴۰ سال به این نتیجه رسیده اند که اندازه دولت اثر منفی بر روی تولید سرانه دارد در حالی که کیفیت نهادها دارای اثری مثبت می باشد. علاوه بر این اندازه دولت بر روی فعالیت اقتصادی نسبت به کاهش کیفیت نهادها اثری زیان بار دارد و افزایش اثر مثبت کیفیت نهادها بر روی تولید سرانه با کاهش اندازه دولت همراه است (آفونسو و جالس، ۲۰۱۵: ۸۳).

از تحقیقات داخلی نیز می توان به موارد زیر، اشاره کرد:

سوری و کیهانی میزان اهمیت متغیرهای جمعیتی، اندازه دولت و رشد اقتصادی را بررسی کردند. نتایج آنها نشان می دهد که متغیرهای جمعیتی نه تنها بر نرخ رشد اقتصادی تأثیر گذار

6. Gilbert (2003)

7. Gani & Duncan (2007)

8. Chong & Gradsten (2004)

9. Afonso & Jalles (2015)

1. Lee & Lin (1994)

2. Guseh (1997)

3. Borchering (1985)

4. Vedder & Gallaway (1998)

5. Knack (2002)

کوتاه‌مدت است. شاخص حکمرانی خوب که به عنوان متغیر پراکسی برای کیفیت دولت در نظر گرفته شده است، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی ایران به‌خصوص در دوره بلندمدت دارد (کميجانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۹).

نگاهی اجمالی به مطالعات گذشته نشان می‌دهد که در بررسی ارتباط بین اندازه دولت، حکمرانی خوب و رشد اقتصادی با داده‌های تابلویی و با تأکید بر تأثیر اندازه دولت بر روی حکمرانی خوب مطالعات بسیار محدودی انجام پذیرفته است لذا با توجه به اهمیت موضوع مطالعه روابط مذکور ضروری به نظر می‌رسد. علی‌الخصوص برای کشورهای در حال توسعه و کشورهایی که حجم دولت در اقتصاد بسیار بزرگ است.

طبق مطالعات فوق در ارتباط با موضوع اثر اندازه دولت بر روی کیفیت دولت مطالعات خارجی اندکی صورت گرفته است که در این بین برخی از مطالعات وجود رابطه مثبت یا منفی میان اندازه دولت و کیفیت دولت را تأیید می‌کنند و برخی دیگر نیز به عدم وجود رابطه بین دو متغیر تأکید دارند. از آنجا که مطالعات تجربی صورت گرفته یک نتیجه مشخص و یکسان را حاصل نکرده‌اند؛ برخی نقش دولت را در ایجاد زیرساخت‌های لازم برای رشد اقتصادی ضروری می‌دانند؛ برخی دیگر نیز فراتر رفتن اندازه دولت از حد مورد نیاز را عامل کاهش رشد می‌دانند. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد مطالعه حاضر، اثر افزایش اندازه دولت بر روی رشد اقتصادی را به دلیل کاهش شاخص حکمرانی خوب، منفی برآورد کرده است. از دلایل این امر می‌توان به استقراض دولت یا افزایش مالیات‌ها به‌منظور تأمین مخارج دولت اشاره نمود، که منجر به کاهش انگیزه کسب و کار و توقف یا کاهش رشد اقتصادی می‌گردد. اما این بدین معنی نیست که نقش دولت در جامعه به‌طور کل نادیده گرفته شود، وجود دولت برای حمایت از مالکیت خصوصی و ارائه خدمات عمومی لازم است. اما افزایش بیش از حد مخارج دولت فضای ناکارا، غیرشفاف و فرصت‌های رانت‌خواری و فساد را گسترش داده و تأثیر منفی بر روی کیفیت نهادها خواهد داشت.

۳- روش‌شناسی تحقیق

داده‌هایی که هم در برگیرنده عناصر سری‌های زمانی و هم مقطعی است، به عنوان پانلی از داده‌ها یا داده‌های طولی^۲ شناخته می‌شوند. داده‌های پانل حاوی اطلاعات بیشتر، تنوع

است، بلکه اندازه دولت را نیز مشخص می‌کند (سوری و کیهانی، ۱۳۸۲: ۷۳-۷۲).

شفیعی و همکاران با استفاده از الگوی (ARDL)^۱ و داده‌های سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۵۰ در آزمون تأثیر سیاست‌های مالی بر رشد اقتصادی به این نتیجه رسیدند که مخارج عمرانی اثر مثبت، مالیات‌ها اثر منفی و مخارج جاری هیچ تأثیری بر رشد اقتصادی ندارد (شفیعی و همکاران، ۱۳۸۳: ۸۱).

میدری نیز در پژوهش خود کوشید روند شکل‌گیری نظریه حکمرانی خوب را بررسی نماید. وی معتقد است که دو نظریه دولت حداقلی و دولت حداکثری و عدم توفیق این نظریات سبب ایجاد نظریه حکمرانی خوب شده است (میدری، ۱۳۸۳: ۹۳).

زارعی در پژوهشی با عنوان حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران به بررسی نظری در باب حکمرانی خوب پرداخته و کوشیده است با توجه به حاکمیت سیاسی در ایران به تحقق این شکل از حکمرانی در ایران بپردازد. وی نتیجه گرفته که حاکمیت سیاسی در ایران از این نظریه فاصله دارد (زارعی، ۱۳۸۳: ۱۵۵).

میرشجاعیان حسینی و رهبر در پژوهشی با عنوان شناخت روابط علی میان مؤلفه‌های حکمرانی خوب در کشورهای در مخاطره نفرین منابع طبیعی با بررسی مفهوم و ابعاد توسعه نهادی، نحوه اثرگذاری مؤلفه‌های حکمرانی خوب را در کشورهای که در مخاطره نفرین منابع طبیعی قرار دارند شناسایی نموده‌اند (میرشجاعیان حسینی و رهبر، ۱۳۹۰: ۶۷).

سحابی و همکاران طی پژوهشی به بررسی اثر اندازه دولت و حکمرانی خوب بر توسعه مالی در ۷۶ کشور در حال توسعه و توسعه‌یافته برای دوره زمانی ۲۰۱۱-۱۹۹۶ با روش گشتاورهای تعمیم‌یافته پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که اندازه دولت اثر منفی و حکمرانی خوب اثر مثبت بر توسعه بخش مالی کشورهای مورد مطالعه دارد (سحابی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۵).

کميجانی و همکاران در بررسی رابطه بین اندازه دولت و کیفیت دولت با رشد اقتصادی در ایران در دو دوره کوتاه‌مدت و بلندمدت طی سال‌ها ۱۳۶۸-۱۳۹۱ با استفاده از الگوی خود بازگشت با وقفه‌های توزیعی (ARDL)، به این نتیجه رسیده‌اند که اندازه دولت در دو دوره بلندمدت و کوتاه‌مدت اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی ایران دارد. اما میزان اثرگذاری اندازه دولت در دوره بلندمدت بیش از تأثیرات

Lgsize: لگاریتم مخارج نهایی مصرفی دولت به صورت درصدی از GDP به عنوان شاخص اندازه دولت (مأخذ: بانک جهانی WDI)⁷

Lemploy: لگاریتم درصد جمعیت شاغل بالای ۱۵ سال از کل جمعیت بر پایه برآورد مدلسازی ILO⁸ (مأخذ: بانک جهانی WDI)

Inflation: نرخ تورم بر پایه شاخص تعدیل کننده GDP (مأخذ: بانک جهانی WDI)

Leducation: لگاریتم طول سال‌های تحصیل در دوره ثانویه به عنوان شاخص آموزش (مأخذ: بانک جهانی WDI)

Urbanization: رشد سالانه نسبت جمعیت شهری به کل جمعیت (مأخذ: بانک جهانی WDI)

Lgov: لگاریتم شاخص حکمرانی خوب که به صورت میانگین ۶ شاخص ارائه شده توسط WGI⁹ در نظر گرفته شده‌اند. این شاخص‌ها عبارتند از:

- حق اظهارنظر و پاسخگویی: امکان بازخواست و مورد سؤال قرار دادن دولت توسط مردم.
 - ثبات سیاسی و عدم خشونت: میزان ثبات رژیم حاکم و رهبران آن، درجه احتمال تداوم حیات مؤثر دولت و تداوم سیاست‌های جاری در صورت مرگ و میر یا تغییر رهبران و دولت مردان فعلی.
 - اثربخشی دولت: کارآمدی دولت در انجام وظایف محوله، شامل کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی، کیفیت نظام اداری، صلاحیت و شایستگی کارگزاران و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی.
 - کیفیت مقررات: سازگاری سیاست‌ها با مکانیسم بازار. سیاست‌هایی از قبیل: کنترل قیمت‌ها، عدم نظارت کافی بر سیستم بانکی و همچنین هزینه وضع قوانین برای محدودیت بیش از اندازه تجارت خارجی.
 - حاکمیت قانون: احترام عملی مردم و دولت برای نهادهایی که با هدف وضع و اجرای قانون و حل اختلاف ایجاد شده است.
 - کنترل فساد: میزان جلوگیری از استفاده از قدرت و امکانات عمومی در جهت منافع شخصی.
- همچنین بر اساس تئوری‌های رشد و نتایج مطالعات تجربی که

گسترده‌تر و هم‌خطی کمتر میان متغیرها بوده و در نتیجه کاراتر می‌باشند. روش‌های مختلفی برای برآورد داده‌های پانلی وجود دارد، اما بسیاری از پژوهشگران علاقمند به بررسی پویایی‌های روابط اقتصادی هستند. یکی از روش‌های برآورد پویای پانلی، رویکرد گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM)¹ می‌باشد. این تخمین زن از طریق کاهش تورش نمونه، پایداری تخمین را افزایش می‌دهد. سازگاری تخمین زننده GMM به معنای بودن فرض عدم همبستگی سریالی جملات خطا و ابزارها بستگی دارد که می‌تواند به وسیله دو آزمون تصریح شده توسط آرلانو و باند² (۱۹۹۱)، آرلانو و بوور³ (۱۹۹۵) و بلوندل و باند⁴ (۱۹۹۸) آزمون شود. آزمون سارگان⁵ از محدودیت‌های از پیش تعیین شده است که معنای بودن ابزارها را آزمون می‌کند. آزمون دیگر مربوط به خودهمبستگی سریالی است. عدم رد فرضیه صفر هر دو آزمون شواهدی را دال بر فرض عدم همبستگی سریالی و معنای بودن ابزارها فراهم می‌کند.

جامعه آماری مورد مطالعه، شامل ۵۰ کشور منتخب جهان می‌باشد که از بین کشورهای با درآمد متوسط و بالاتر^۶ انتخاب شده است. اطلاعات این کشورها در طی سال‌های ۲۰۱۳-۱۹۹۶ مورد بررسی قرار گرفته است. در این مطالعه، برای بررسی نقش اندازه دولت بر روی عملکرد دولت یا همان حکمرانی خوب، و همچنین تأثیر آنها بر روی رشد اقتصادی، دو مدل مجزا در نظر گرفته می‌شود. در مدل اول، بر اساس مبانی نظری و تجربی موضوع، برای برآورد تأثیر اندازه دولت بر روی حکمرانی خوب معادله زیر ارائه می‌شود:

$$Lgov_{it} = \beta_1 + \beta_2 Lgsize_{it} + \beta_3 Lemploy_{it} + \beta_4 Inflation_{it} + \beta_5 Leducation_{it} + \beta_6 Urbanization_{it} + U_{it}$$

در این مدل:

1. Generalized Method of Moments
2. Arellano & Bond (1991)
3. Arellano & Bover (1995)
4. Blundell & Bond (1998)
5. Sargan Test

۶. این کشورها عبارتند از: آذربایجان، آرژانتین، برزیل، چین، مصر، هند، ایران، عراق، مالزی، مکزیک، نیجریه، پاکستان، عربستان سعودی، سنگاپور، آفریقای جنوبی، ترکیه، اکراین، ونزوئلا، اندونزی، استرالیا، بلژیک، کانادا، شیلی، مجارستان، دانمارک، لهستان، استونی، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، ایرلند، ایسلند، ایتالیا، ژاپن، لوکزامبورگ، نیوزلند، نروژ، هلند، پرتغال، اسلواکی، اسلونی، اسپانیا، سوئد، انگلیس، ایالات متحده، سوئیس، کره جنوبی، جمهوری چک، اتریش.

7. World Development Indicators
8. International Labour Organization
9. Worldwide Governance Indicators

در صورتی که داده‌های مورد استفاده در یک تحقیق مانا باشند، می‌توان اطمینان بیشتری از کاذب نبودن نتایج تخمین‌ها داشت. آزمون‌های متعددی برای بررسی مانایی در داده‌های تابلویی وجود دارد که در این تحقیق به آزمون مانایی لوین، لین و چاو^۲، اکتفا شده است. نتایج این آزمون در حالت با عرض از مبدأ، در جدول ۱، ارائه شده است.

نتایج نشان می‌دهد که کلیه ضرایب در سطح زیر یک درصد، مانا می‌باشند.

۴-۲- اندازه دولت و حکمرانی خوب

در این بخش به بررسی تأثیر اندازه دولت بر روی حکمرانی خوب پرداخته می‌شود. نتایج برآورد مدل مورد نظر در جدول ۲، آمده است. نتایج جدول ۲ حاکی از آن است که تأثیر اندازه دولت (Lgsize) بر کیفیت نهادها (Lgov)، در سطح اطمینان ۰/۹۹ درصد منفی و معنی‌دار است؛ با توجه به ضریب افزایش این متغیر، افزایش یک درصدی اندازه دولت موجب کاهش ۰/۲۴ درصد شاخص حکمرانی خوب می‌گردد. بنابراین اندازه دولت یکی از تعیین‌کننده‌های اصلی حکمرانی خوب محسوب می‌شود. واقعیت این است که بسیاری از موارد فساد، قانون‌گریزی، رانت خواری، تخریب اموال عمومی و غیره در بدنه دولت معنی پیدا می‌کند، لذا دخالت و حضور گسترده دولت به خودی خود منشأ و مبدأ بروز چنین پدیده‌هایی در جامعه می‌باشد. از سایر عوامل مؤثر بر روی شاخص حکمرانی خوب شاخص تورم (Inflation)، نیز در سطح اطمینان ۰/۹۹ درصد تأثیر منفی بر متغیر وابسته مورد آزمون دارد. اما تأثیر شاخص اشتغال^۳ (Lemploy)، بر روی کیفیت نهادها مثبت و معنی‌دار است. در مدل دوم نیز تأثیر اندازه دولت، نرخ تورم (inflation) و رشد شهرنشینی (urbanization)، بر روی شاخص حکمرانی خوب، منفی است اما تأثیر اشتغال و آموزش (Leducation)، بر روی شاخص حکمرانی مثبت است. تمامی ضرایب در سطح ۹۹٪ معنی‌دار بوده است.

نتایج به دست آمده از آزمون سارگان جدول شماره ۲، معتبر بودن متغیرهای ابزاری به کار رفته در مدل را نشان می‌دهد. همچنین نتایج آزمون خودهمبستگی، نشان می‌دهد که فرضیه صفر رد نشده و متغیرها فاقد خودهمبستگی مرتبه دوم می‌باشند.

در قسمت قبل بررسی شد، برای بررسی تأثیر اندازه دولت و حکمرانی خوب بر روی رشد اقتصادی، مدل زیر در نظر گرفته می‌شود:

$$Lgrowth_{it} = \beta_1 + \beta_2 Lgsize_{it} + \beta_3 Lhdi_{it} + \beta_4 Lfdi_{it} + \beta_5 Lgov_{it} + \beta_6 Lexport_{it} + \beta_7 Lict_{it} + U_{it}$$

که در این مدل:

Lgdpper: لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه به قیمت ثابت دلار ۲۰۰۵ (مأخذ: بانک جهانی WDI).

Lhdi: لگاریتم شاخص توسعه انسانی (مأخذ: UNDP^۱).

Lict: لگاریتم سهم کالاهای حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) از کل واردات (مأخذ: بانک جهانی WDI).

Lexport: لگاریتم ارزش صادرات کالاها و خدمات به قیمت ثابت دلار ۲۰۰۵ (مأخذ: بانک جهانی WDI).

Lfdi: لگاریتم جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به صورت درصدی از GDP (مأخذ: بانک جهانی WDI).

۴-۱- یافته‌ها

۴-۱- آزمون مانایی متغیرها

پیش از برآورد الگوی مورد نظر، برای جلوگیری از بروز مشکل رگرسیون کاذب، ابتدا تمامی متغیرها از نظر مانایی، مورد آزمون قرار می‌گیرد.

جدول ۱. آزمون ریشه واحد (لوین، لین و چاو)

متغیرها	آماره آزمون	ارزش احتمال
Lgov	-۷/۲۴۳۷	۰/۰۰۰۰
Lgsize	-۵/۷۱۳۸	۰/۰۰۰۰
Lemploy	-۴/۳۲۸۹	۰/۰۰۰۰
inflation	-۷/۴۵۵۲	۰/۰۰۰۰
Lgdpper	-۶/۲۹	۰/۰۰۰۰
Lfdi	-۵/۶۰۸۲	۰/۰۰۰۰
Lhdi	-۱۵/۱۱۷۴	۰/۰۰۰۰
Lict	-۶/۱۹۰۳	۰/۰۰۰۰
Lexport	-۱۰/۲۴۴۱	۰/۰۰۰۰
Lgovsize	-۶/۲۹۴۹	۰/۰۰۰۰
Urbanization	-۱۰/۴۱۸۷	۰/۰۰۰۰
Leducation	-۱/۹۹۸۱	۰/۰۲۲۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق

2. Levin-Lin- Chu
3. Employment

1. United Nations Development Programme

جدول ۲. نتایج برآورد تأثیر اندازه دولت بر روی کیفیت نهادها

متغیر	ضریب	آماره Z	احتمال
_cons	-۰/۴۵۳۹	-۱/۸۲	۰/۰۶۹
Lgsize	-۰/۲۴۲۰	-۵۷/۴۶	۰/۰۰۰۰
Lemploy	۰/۶۱۹۰	۱۵/۵۵	۰/۰۰۰۰
Inflation	-۰/۰۰۰۷	-۵۱/۴۷	۰/۰۰۰۰
Leducation	۱/۱۵۲۴	۱۰/۱۳	۰/۰۰۰۰
Urbanization	-۰/۱۹۱۵	-۶/۹۶	۰/۰۰۰۰
آزمون سارگان	آماره χ^2 : ۴۵/۸۰	ارزش احتمال χ^2 : ۰/۹۹	
خودهمبستگی مرتبه دوم	آماره Z: ۰/۸۶	ارزش احتمال Z: ۰/۳۹	

*** و ** و * به ترتیب نشان دهنده معنی داری در سطوح اطمینان ۹۹٪، ۹۵٪ و ۹۰٪ می باشد.

اعداد داخل پرانتز نشان دهنده مقدار آماره Z می باشند.

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۳. نتایج برآورد اثر اندازه دولت و حکمرانی خوب بر روی

رشد اقتصادی

متغیر	ضریب	آماره Z	احتمال
_cons	-۰/۲۵۹۲	-۲۴/۳۶	۰/۰۰۰۰
Lgov	۰/۰۴۳۵	۴/۴۴	۰/۰۰۰۰
Lhdi	۱/۷۰۴۵	۳۳/۵۷	۰/۰۰۰۰
Lgsize	-۰/۱۸۲۸	-۲۴/۹۶	۰/۰۰۰۰
Lexport	۰/۱۰۶۴	۱۲/۴۲	۰/۰۰۰۰
Lict	-۰/۰۲۹۴	۹/۸۶	۰/۰۰۰۰
Lfdi	-۰/۰۰۷۴	۱۴/۴۴	۰/۰۰۰۰
آزمون سارگان	آماره χ^2 : ۴۲/۳۳	ارزش احتمال χ^2 : ۰/۹۹	
خودهمبستگی مرتبه دوم	آماره Z: ۱/۳۸	ارزش احتمال Z: ۰/۱۶	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همان طور که در بحث ادبیات موضوع ذکر شد، دولت با اجرای کارآمد وظایف خود می‌تواند نقش مهمی در توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه ایفا کند. از طرف دیگر، بدون حکمرانی خوب، رشد اقتصادی در جامعه، ناهمگون و ناهماهنگ شده، در بیشتر مناطق به گسترش شکاف در بخش‌های اقتصادی و اجتماعی منتهی می‌شود. لذا اندازه دولت به طور مستقیم و از کانال تأثیرگذاری بر روی شاخص‌های حکمرانی خوب می‌تواند بر روی رشد اقتصادی تأثیر بگذارد که این مسئله نیازمند بررسی و مطالعه بیشتر و دقیق‌تر است. برای بررسی این موضوع از تکنیک اثرات متقاطع اندازه دولت و حکمرانی خوب در مدل رشد استفاده می‌شود.

در جدول شماره ۴ طی برآورد دو مدل (با و بدون حکمرانی خوب)، اثر متقاطع اندازه دولت و حکمرانی خوب (Lgovsize) بر روی رشد اقتصادی برآورد شده است.

نتایج هر دو مدل نشان دهنده تأثیر منفی این شاخص بر روی رشد اقتصادی در سطح اطمینان ۹۹٪ می‌باشد. با توجه به اینکه حکمرانی خوب در مدل رشد تأثیر مثبت و اندازه دولت تأثیر منفی بر روی رشد اقتصادی داشت، این نتیجه حاکی از آن است که اثر منفی اندازه دولت نحوه تأثیرگذاری حکمرانی خوب را منفی کرده یا می‌توان گفت اندازه دولت با تضعیف حکمرانی خوب باعث کند شدن رشد اقتصادی می‌شود. تأثیر سایر متغیرهای این جدول نیز مشابه نتایج قبلی بوده و شاخص توسعه انسانی، گسترش صادرات، ورود کالاهای ICT و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر مثبت و معنی‌دار در سطح اطمینان ۹۹٪ بر روی رشد اقتصادی داشته‌اند.

۴-۳- اندازه دولت، حکمرانی خوب و رشد اقتصادی

در این قسمت طی برآورد مدل‌های رشد اقتصادی تلاش می‌شود تأثیر اندازه دولت به طور مستقیم و غیرمستقیم از کانال حکمرانی خوب، بر روی رشد اقتصادی برآورد گردد. ابتدا در جدول شماره ۳ این دو متغیر به طور مجزا در مدل آمده است. نتایج جدول ۳، نشان می‌دهد که اندازه دولت در سطح اطمینان ۹۹٪ درصد تأثیر منفی بر روی رشد اقتصادی (Lgdp)، دارد. یعنی افزایش یک درصدی اندازه دولت باعث کاهش ۰/۱۸ درصد رشد اقتصادی می‌شود. لذا دولت بزرگ‌تر می‌تواند برای کارایی تولید و رشد اقتصادی زیان آور باشد. در حالی که اثر شاخص حکمرانی خوب (Lgov)، بر روی رشد اقتصادی در سطح اطمینان ۹۹٪ درصد مثبت است و این نشان می‌دهد که نهادها نقش مثبت و معنی‌داری را بر تولید ناخالص سرانه دارا هستند.

با توجه به ضریب افزایش شاخص حکمرانی خوب افزایش یک درصدی آن موجب افزایش ۰/۰۴ درصد رشد اقتصادی می‌شود. همچنین تأثیر سایر عوامل از جمله شاخص توسعه انسانی (Lhdi)، گسترش صادرات (Lexport)، سهم واردات کالاهای فناوری اطلاعات و ارتباطات (Lict) و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (Lfdi)، بر روی رشد اقتصادی مثبت و معنی‌دار است.

توسعه انسانی و رشد اقتصادی به شکل دو زنجیره هستند و ارتباط معناداری را در هر دو جهت نشان می‌دهند و نیز مطالعات (پن، ۲۰۰۳؛ انامحمد و همکاران^۸، ۲۰۱۲؛ ایمسیراجوج و داکلیاگوس^۹، ۲۰۱۵؛ لئونید و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۴) که نشان می‌دهد بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی رابطه مثبت وجود دارد و همچنین نتیجه حاصل از مطالعات (بالاسا^{۱۱}، ۱۹۷۸؛ تیلور^{۱۲}، ۱۹۸۱؛ فدر^{۱۳}، ۱۹۸۳؛ فؤاد^{۱۴}، ۲۰۰۵؛ تقوی و همکاران، ۲۰۱۲) که نشان می‌دهد رشد صادرات و رشد اقتصادی با یکدیگر همبستگی مثبتی دارند و هرچه یک کشور کمتر توسعه یافته به‌طور نسبی از توسعه یافتگی بیشتری برخوردار باشد این همبستگی مثبت قوی‌تر نیز می‌شود، با نتایج مطالعه حاضر مطابقت دارد.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

در این مطالعه رابطه میان اندازه دولت و حکمرانی خوب و تأثیر آنها بر رشد اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاکی از آن است که اندازه دولت تأثیر منفی بر روی شاخص حکمرانی خوب و رشد تولید ناخالص داخلی دارد. علت چنین ارتباط منفی را می‌توان از ابعاد مختلفی بررسی نمود. اولاً بر پایه تئوری‌های خرد اقتصادی با بزرگ شدن مقیاس یک نهاد، هزینه‌های متوسط افزایش یافته و عدم صرفه‌های مقیاس اتفاق می‌افتد و در نهایت باعث کاهش بهره‌وری و تولید کل می‌شود. این موضوع می‌تواند در خصوص نهاد دولتی نیز صادق باشد. ثانیاً زمانی که دولت بخش قابل توجه اقتصاد را کنترل می‌کند فرصت‌های سرمایه‌گذاری محدود می‌شود. یعنی با بزرگ شدن دولت تقریباً به همان اندازه سهم بخش خصوصی از اقتصاد کاهش می‌یابد که با توجه به اهمیت عملکرد اقتصادی بخش خصوصی، این مسئله می‌تواند بهره‌وری اقتصاد را به عنوان یکی از پایه‌های رشد اقتصادی تضعیف نماید. ثالثاً انواع فساد، رانت جویی، رشوه، سوء استفاده از اموال عمومی و غیره عموماً در بخش دولتی معنی پیدا می‌کند نه در بخش خصوصی؛ لذا گسترش بیش از حد دولت در اقتصاد زمینه‌های تضعیف شاخص‌های حکمرانی خوب و نظام صحیح مدیریت را

جدول ۴. اثرات متقاطع اندازه دولت و حکمرانی خوب بر روی رشد اقتصادی

متغیر	مدل اول	مدل دوم
Lgovsize	-۰/۰۹۸۹ *(-۱۶/۴۸)	-۰/۱۶۶۷ *(-۲۹/۷۳)
Lhdi	۱/۳۶۰۵ *(۳۱/۱۴)	۱۶/۶۵ *(۳۲/۷۰)
Lexport	-۰/۱۴۲۴ *(۲۴/۶۵)	-۰/۱۱۰۴ *(۲۲/۰۲)
Lict	-۰/۳۸۸۱ *(۱۷/۵۴)	-۰/۰۳۳۱ *(۱۱)
Lfdi	-۰/۰۰۸۴ *(۲۴/۴۹)	-۰/۰۰۷۱ *(۱۲)
Lgov	-	-۰/۲۰۳۵ *(۳۱/۰۱)
سارگان	آماره ۲٪: ۴۶/۱۵	آماره ۲٪: ۴۶/۲۷
	ارزش احتمال ۲٪: ۰/۹۹۷	ارزش احتمال ۲٪: ۰/۹۹۶
خودهمبستگی مرتبه دوم	آماره Z: -۱/۵۴	آماره Z: -۱/۳۰
	ارزش احتمال Z: ۰/۱۲	ارزش احتمال Z: ۰/۱۹

*** و ** و * به ترتیب نشان دهنده معنی‌داری در سطوح اطمینان ۹۹٪، ۹۵٪ و ۹۰٪ می‌باشد

اعداد داخل پرانتز نشان دهنده مقدار آماره Z می‌باشند.

مأخذ: یافته‌های تحقیق

مقایسه نتایج حاصل از مطالعه حاضر با مطالعات پیشین (انجن و اسکینر^۱، ۱۹۹۲؛ لی و لین، ۱۹۹۴؛ اندریاس و هنرکسون^۲، ۲۰۱۱) در خصوص اینکه حضور دولت در اقتصاد مانعی برای رشد است و رشد بیش از حد اندازه دولت تأثیر منفی بر روی اقتصاد و متغیرهای کلان اقتصادی ایجاد می‌کند، همخوانی وجود دارد. همچنین نتایج مطالعات پویرسون^۳، (۱۹۹۸)؛ ناک و کیفر^۴ (۱۹۹۷)؛ فنگ^۵ (۲۰۰۳)؛ کاماندر و نیکولوسکی^۶ (۲۰۱۱) در ارتباط با اینکه یک رابطه مثبت و معنی‌دار میان شاخص‌های حکمرانی خوب که آن را شاخص کیفیت نهادی نامیدند با رشد اقتصادی، مطابق یافته‌های تحقیق حاضر است. یافته‌های مطالعه رانیس و همکاران^۷، (۲۰۰۰)؛ اسدی و اسماعیلی (۱۳۹۲) در خصوص اینکه شاخص

8. Amna Muhammad et al. (2012)
9. Iamsiraroj & Doucouliagos (2015)
10. Leonid et al. (2014)
11. Balasa (1978)
12. Tyler (1981)
13. Feder (1983)
14. Fouad (2005)

1. Engen & Skinner (1992)
2. Andreas & Henrekson (2011)
3. Poirson (1998)
4. Knack & Keefer (1997)
5. Feng (2003)
6. Commander & Nikoloski (2011)
7. Rains et al. (2000)

فراهم می‌آورد و در نتیجه روند رشد و توسعه اقتصادی با موانع جدی روبه‌رو می‌گردد.

بنابراین از آنجایی که افزایش اندازه دولت تأثیر منفی بر رشد اقتصادی و شاخص حکمرانی خوب دارد، دولت‌ها نباید حوزه دخالت‌های خود را در اقتصاد بیش از حد گسترش دهند. سیاست‌گذاران اقتصادی کشور برای افزایش تولید ناخالص داخلی و در نتیجه بهبود رشد اقتصادی، می‌بایست در کنار توجه به افزایش سرمایه‌فیزیکی، اشتغال و سرمایه‌انسانی، توجه خاصی نیز به نحوه حکمرانی و ایجاد شرایط و بستری مناسب جهت بهبود آن داشته باشند. همچنین با توجه به نقش و رابطه‌ای که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در رشد اقتصادی، انتقال تکنولوژی، افزایش اشتغال و بهره‌وری، و توسعه صادرات دارد به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر بهره‌وری کل عوامل تولید در نظر گرفته شده و موجب افزایش رشد اقتصادی می‌گردد. بنابراین تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران بخش اقتصادی باید میزان دقیق جذب این‌گونه سرمایه‌ها،

منابع

سهم بخش‌های مختلف اقتصادی و میزان مشارکت دولت و بخش خصوصی در این زمینه را مشخص نمایند. با توجه به اینکه، صادرات و رشد، تأثیر متقابلی بر یکدیگر دارند و از طریق یک تعامل پویا یکدیگر را تقویت می‌کنند، توسعه صادرات از مجرای ایجاد تقاضای اضافه نیز برای اقتصادهایی که توان عرضه‌شان در برخی صنایع قوی است موجب رشد می‌گردد. به طور کلی در اقتصادهایی که با کمبود تقاضا مواجه‌اند با افزایش سهم صادرات می‌توان از طریق ساز و کار ضریب فزاینده مخارج تقاضای کل، درآمد کل آنها را افزایش داد و موجب تداوم و شتاب رشد آنها شد. از دیگر عوامل مهم که با توجه به نتایج تحقق می‌توانند تأثیر مثبت بر روی رشد اقتصادی داشته باشند گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات و شاخص توسعه انسانی است. بنابراین سعی در افزایش هر یک از شاخص‌های مذکور به عنوان یک پتانسیل مهم امکان‌دستیابی هم‌زمان به توسعه پایدار و رشد اقتصادی را فراهم خواهد آورد.

اسدی، علی و اسماعیلی، سیدمیشم (۱۳۹۲). "تأثیر شاخص توسعه انسانی بر رشد اقتصادی ایران در قالب مدل مارکوف سوئیچینگ". *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، سال ۳، شماره ۱۲، ۸۹-۱۰۴.

دهمرد، نظر؛ علیزاده، محمد و زیدی‌زاده، سمیرا (۱۳۹۱). "بررسی اثر اندازه دولت بر فساد با تأکید بر نقش دموکراسی در منطقه منا". *مجله اقتصاد و توسعه منطقه‌ای*، سال ۱۹، شماره ۴، ۷۴-۴۸.

رفیعی دارانی، هادی و زیبایی، منصور (۱۳۸۲). "اندازه دولت، رشد اقتصادی و بهره‌وری نیروی کار در بخش کشاورزی". *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال ۱۱، شماره ۴۳ و ۴۴، ۹۰-۷۷.

رفیعی دارانی، هادی و شاهنوشی، ناصر (۱۳۹۳). "تأثیر اندازه دولت و حکمرانی خوب بر توسعه انسانی با به‌کارگیری رگرسیون موزون جغرافیایی". *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، سال ۱۹، شماره ۵۸، ۱۸۱-۱۵۳.

زارعی، محمدحسین (۱۳۸۳). "حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران". *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۴۰، ۲۰۲-۱۵۵.

سحابی، بهرام؛ اعتصامی، منصور و امین‌پور، خالد (۱۳۹۲). "بررسی اثر حکمرانی خوب و اندازه دولت بر توسعه مالی در کشورهای منتخب". *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، سال ۳، شماره ۱۲، ۱۱۸-۱۰۵.

سوری، علیرضا و کیهانی، حکمت (۱۳۸۲). "متغیرهای جمعیتی، اندازه دولت و رشد اقتصادی در ایران". *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، شماره ۹ و ۱۰، ۷۵-۵۳.

شاکری، محبوبه؛ جعفری‌صمیمی، احمد و کریمی‌موغاری، زهرا (۱۳۹۴). "ارتباط بین متغیرهای نهادی و رشد اقتصادی: معرفی شاخص نهادی جدید برای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا". *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، دوره ۶، شماره ۲۱، ۱۰۶-۹۳.

شفیعی، افسانه؛ شهرزاد، برومند و تشکینی، احمد (۱۳۸۳). "آزمون تأثیر سیاست‌های مالی بر رشد اقتصادی". *پژوهش‌نامه اقتصادی*، شماره ۱۱، ۱۱۲-۸۱.

عسکری، محسن (۱۳۸۹). "تأثیر درآمدهای نفتی بر ایجاد دولت رانتیر و دموکراسی". *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، شماره ۱۳، ۱۹۷-۱۸۱.

فلاحی، فیروز و منتظری شورکچالی، جلال (۱۳۹۳). "اندازه

مبارک، اصغر و آذریبوند، زیبا (۱۳۸۸). "نگاهی به شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تأثیر آن بر رشد اقتصادی". *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، سال ۹، شماره ۳۶، ۲۰۸-۱۷۹.

مقیم، محمد و اعلائی اردکانی، مصطفی (۱۳۹۰). "سنجش شاخص‌های حکمرانی خوب و نقش دولت الکترونیک در ارتقای آن". *مدیریت فناوری اطلاعات*، دوره ۳، شماره ۸، ۱۸۸-۱۷۱.

میدری، احمد (۱۳۸۳). "تغییر در سیاست‌های بانک جهانی و پیدایش نظریه حکمرانی خوب". *نامه مفید*، دوره ۱۰، شماره ۴۲، ۱۱۸-۹۳.

میرشجاعیان حسینی، حسین و رهبر، فرهاد (۱۳۹۰). "شناخت روابط علی میان مؤلفه‌های حکمرانی خوب در کشورهای در مخاطره نفرین منابع طبیعی". *مجله سیاست‌های اقتصادی*، سال ۷، شماره ۲، ۸۶-۶۷.

نورث، سی داگلاس (۱۹۹۸). "نهادهای تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی". *ترجمه محمدرضا معینی*، سازمان برنامه و بودجه.

دولت و رشد اقتصادی در ایران". *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، سال ۲۰، شماره ۶۹، ۱۵۰-۱۳۱.

قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۷). "حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت". تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، دفتر گسترش تولید علم.

کریمی پتانلار، سعید؛ نادمی، یونس و زبیری، هدی (۱۳۹۴). "اندازه دولت و بیکاری در اقتصاد ایران". *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، سال ۵، شماره ۱۸، ۶۴-۵۱.

کمیجانی، اکبر و پروانه، سلاطین (۱۳۸۹). "تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب". *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، سال دوم، شماره ۲، ۲۴-۱.

کمیجانی، اکبر؛ هژبرکیانی، کامبیز و حق‌شناس، هادی (۱۳۹۳). "بررسی تأثیر اندازه و کیفیت دولت بر رشد اقتصادی به روش همجمعی ARDL". *فصلنامه اقتصاد کاربردی*، شماره ۴، ۶۰-۴۹.

گجراتی، دامودار (۱۳۹۱). "مبانی اقتصادسنجی". انتشارات دانشگاه تهران، ترجمه حمید ابریشمی.

Afonso, A. & Jalis, J. T. (2015). "Economic Performance and Government Size and Institutional Quality". *Empirica*, 43(1), 83-109.

Agarwal, P. (2006). "Higher Education in India: The Need for Change". *ICRIER Working Paper, Indian Council for Research on International Economic Relations*, 180, 1-182.

Alesina, A. & Perotti, R. (1996). "Income Distribution, Political Instability and Investment". *European Economic Review*, 40(6), 1203-1228.

Alimi, R. S. & Muse, O. B. (2013). "Export - Led Growth or Growth-Driven Exports? Evidence from Nigeria". *British Journal of Economics, Management & Trade*, 3(2), 89-100.

Alonso, J. A. & Garcimartín, C. (2009). "The Determinants of Institutional Quality, More on the Debate". *Journal of International Development*, 25(2), 206-226.

Andreas, B. & Henrekson, M. (2011). "Government Size and Growth. A Survey and Interpretation of the Evidence". *Reserch Institute of Industrial Economics, IFN Working Paper No. 858*, 1-24.

Ardagna, S. (2004). "Fiscal Stabilizations: When Do They Work and Why?". *European Economic Review*, 48, 1047-1074.

Arellano, M. & Bond, S. (1991). "Some Tests of Specification for Panel Data: Monte Carlo Evidence and an Application to Employment Equations". *Review of Economic Studies*, 58, 277-298.

Arellano, M. & Bover, O. (1995). "Another Look at the Instrumental Variable Estimation of Error-Components Models". *Journal of Econometrics*, 68, 29-51.

Aschauer, D. (1989). "Public Investment and Productivity Growth in The Group of Seven". *Economic Perspectives*, 13, 17-25.

Balassa, B. (1978). "Exports and Economic Growth: Further Evidence". *Journal of*

- Development Economics*, 5, 181-189.
- Blundell, R. & Bond, S. (1998). "Initial Conditions and Moment Restrictions in Dynamic Panel Data Models". *Journal of Econometrics*, 87, 115-143.
- Borcherding, T. (1985). "The Causes of Government Expenditure Growth: A Survey of the U.S. Evidence". *Journal of Public Economics*, 28(3), 359-382.
- Chong, A. & Gradstein, M. (2004), "Inequality and Institution". *Research Department, Inter-American Development Bank*, New York, Working paper: No. 506, 1-40.
- Commander, S. & Nikoloski, Z. (2011). "Institutions and Economic Performance: What Can be Explained?". *Review of Economics and Institutions*, 2(2), 1-35.
- Doessel, D. P. & Valadkhani, A. (2003). "The Effects of Government on Economic Growth in Fiji". *Singapore Economic Review*, 48(1), 27-38.
- Easterly, W. & Rebelo, S. (1993). "Fiscal Policy and Economic Growth: An Empirical Investigation". *Journal of Monetary Economics*, 32, 417-458.
- Engen, E. & Skinner, J. (1992). "Fiscal Policy and Economic Growth". *NBER Working Paper*, No 4223, Published: Taxation and Economic Growth, NTJ, 50(4), 617- 642.
- Evans, P. & Rauch, P. (2000). "Bureaucratic Structure and Bureaucratic Performance in Less Developed Countries". *Journal of Public Economics*, 75, 49-71.
- Facchini, F. & Melki, M. (2013). "Efficient Government Size: France in The 20th Century". *European Journal of Political Economy*, 31, 1-14.
- Feder, G. (1983). "On Exports and Economic Growth". *Journal of Development Economics*, 12, 59-73.
- Feng, Y. (2003). "Democracy, Governance and Economic Performance: Theory and Evidence". Cambridge: MA, MIT Press.
- Fouad, A. S. (2005). "Are Exports the Engine of Economic Growth? An Application of Cointegration and Causality Analysis for Egypt, 1977-2003". *Economic Research Working Paper*, No 76.
- Gani, A. & Duncan, R. (2007). "Measuring Good Governance Using Time Series Data: Fiji Islands". *Journal of the Asia Pacific Economy*, 12(3), 367-385.
- Ghartey, E. E. (1993). "Causal Relationship between Exports and Economic Growth: Some Empirical Evidence in Taiwan: Japan and the US". *Applied Economics*, 25(9), 1145-1152.
- Gilbert, N. (2003). "Trade Openness Policy, Quality of Institutions and Economic Growth". *CERDI Working Paper*, University Auvergne Clermont, Frand. France.
- Gramlich, E. (1994). "Infrastructure Investment: A Review Essay". *Journal of Economic Literature*, 32, 1176-1196.
- Grier, K. B. & Tullock, G. (1989). "An Empirical Analysis of Cross-Sectional Economic Growth". *Journal of Monetary Economics*, 24, 259-276.
- Gudaro, A. M., Chapra, I. U. & Sheikh, S. A. (2012). "Impact of Foreign Direct Investment on Economic Growth: A Case Study of Pakistan". *Journal of Management and Social Sciences*, 8(2), 22-30.
- Guichard, S., Kennedy, M., Wurzel, E. & Andre, C. (2007). "What Promotes Fiscal Consolidation: OECD Country Experiences". *OECD Economics Department*, Working Paper, 553, 1-37.
- Guseh, J. S. (1997). "Government Size and Economic Growth in Developing Countries: A Political-Economy Framework". *Journal of Macroeconomics*, 19, 175-192.
- Hillman, A. L. (2009). "Public Finance and Public Policy: Responsibilities and Limitations of Government". Second Edition, *Cambridge University Press*, New York NY.

- Holtz-Eakin, D. (1994). "Public Sector Capital and The Productivity Puzzle". *Review of Economics and Statistics*, 76, 12-21.
- Huang, Y. (2010). "Political Institutions and Financial Development: An Empirical Study". *Journal of World Development*, 38(12), 1-16.
- Iamsiraroj, S. & Doucouliagos, H. (2015). "Does Growth Attract FDI?". *Economics - The Open-Access, Open-Assessment E-Journal*, Kiel Institute for the World Economy (IfW), 9, 1-35.
- Knack, S. & Keefer, P. (1997). "Does Social Capital Have an Economic Payoff: A Cross Country Empirical Investigation". *The Quarterly Journal of Economics*, 112(4), 1251-1288.
- Knack, S. (2002). "Governance and Growth: Measurement and Evidence". *IRIS Center Discussion Papers*, 2(5), 1-32.
- Kyrkilis, D. & Koboti, S. (2015). "Intellectual Property Rights as Determinant of Foreign Direct Investment Entry Mode: The Case of Greece". *Precedia Economics and Finance*, 19, 3-16.
- Landaue, D. (1986). "Government and Economic Growth in the Developing Countries: An Empirical Study for 1960-1980". *Economic Developing and Cultural Change (Chicago)*, NBER Working Paper, 35(8), 5-15.
- Larch, M. & Turrini, A. (2008), "Received Wisdom and Beyond: Lessons From Fiscal Consolidation in the EU". Brussels: European Commission, Directorate General Economic and Financial Affairs, *European Economy - Economic Papers*, 320, 1-31.
- Lee, B. S. & Lin, S. H. (1994). "Government Size, Demographic Changes and Economic Growth". *International Economic Journal*, 8, 91-108.
- Leonid, M., Oleksandr, K. & Serhiy, P. (2014). "The Impact of Foreign Direct Investment on Economic Growth: Case of Post Communism Transition Economies". *Problems and Perspectives in Management*, 12(1), 17-24.
- Moore, B. (1966). "Social Origins of Dictatorship and Democracy". Boston: Beacon Press.
- Munell, A. (1992). "Infrastructure Investment and Economic Growth". *Journal of Economic Perspectives*, 6, 189-198.
- Musavi, M. & Mehrara, M. (2011). "Investigating the Government Size and Quality's Contribution to Long-Run Economic Growth". *American Journal of Scientific Research*, 30, 104-112.
- Niebel, T. (2014). "ICT and Economic Growth-Comparing Developing, Emerging and Developed Countries". *ZEW - Centre for European Economic Research Discussion Paper*, No. 14-117.
- Pan, Y. G. (2003). "The Inflow of Foreign Direct Investment to China: The Impact of Country-Specific Factors". *Journal of Business Research*, 56, 829-833.
- Poirson, H. (1998). "Economic Security, Private Investment and Growth in Developing Countries". *IMF Working Paper*, No. 98/4.
- Rains, G., Stewart, F. & Ramirez, A. (2000). "Economic Growth and Human Development". *World Development*, 28(2), 197- 219.
- Ramos, R. (2001). "Exports, Imports and Economic Growth in Portugal: Evidence from Causality and Cointegration Analysis". *Economic Modeling*, 18(4), 613-623.
- Rose-Ackerman, S., & Palifka, B. J. (2016). "Corruption and Government: Causes, Consequences, and Reform". Cambridge University Press.
- Sharma, S. C. & Dhakal, D. (1994). "Causal Analysis between Exports and Economic Growth in Developing Countries". *Applied Economics*, 26, 1145-1157.
- Slemrod, J. (1995). "What Do Cross-Country

- Studies Teach about Government Involvement, Prosperity and Economic Growth?”. *Brookings Papers on Economic Activity*, 2, 373-431.
- Sturm, J. & DeHaan, J. (1995). “Is Public Expenditure Really Productive? New Evidence for the USA and the Netherlands”. *Economic Modeling*, 12, 60-72.
- Taghavi, M., Goudarzi, M., Masoudi, E. & Parhizi Gashti, H. (2012), “Study on the Impact of Export and Import on Economic Growth in Iran”. *Journal of Basic and Applied Scientific Research*, 2(12), 12787-12794.
- Tyler, W. (1981). “Growth and Export Expansion in Developing Countries: Some Empirical Evidence”. *Journal of Development Economics*, 9(1), 121-130.
- Vedder, R. K. & Gallaway, L. E. (1998). “Government Size and Economic Growth”. *Paper Prepared for the Joint Economic Committee of the US Congress*, 1-15.
- Yuan, Y., Chen, Y. & Wang, L. (2010). “Size of Government and FDI: An Empirical Analysis Based on the Panel Data of 81 Countries”. *Journal of Technology Management in China*, 5(2), 176-184.